

فقه مقارن تطورات و کارکرد آن در تقریب مذاهب اسلامی

فقه مقارن

تطورات و کارکرد آن در تقریب مذاهب اسلامی

*دکتر محمد رضا رضوان طلب[1]

*محمد معینی فر[2]

بسم الله الرحمن الرحيم

چکیده

در میان کتبی که در زمینه فقه مقارن نگاشته شده است نویسندگان یا اصلا به تاریخ آن پرداخته‌اند یا - بسیار کم‌رنگ بازتاب داده‌اند. در زمینه ادوار فقه مقارن نیز وضعیت مشابهی مشاهده می‌شود. بلکه می‌توان گفت اصلا پژوهشی در تقسیم‌بندی ادوار برای فقه مقارن صورت نگرفته است. همچنین، کتابی که مؤلفات فقه مقارن را گردآوری کرده باشد تا به حال تألیف نشده است. یا حداقل پژوهشگران این مقاله، اطلاعی از آن ندارند. پژوهش حاضر ضمن بررسی عوامل پیدایش خلاف، تطورات تاریخی فقه مقارن را توضیح داده و پیشگامان آنرا معرفی می‌کند و به بیان نقش این فقه در رفع خلاف می‌پردازد. کلیدواژه: فقه مقارن، فقه الخلاف، فقه تطبیقی، فقه مقایسه‌ای، ادوار فقه، تقریب مذاهب،

طرح مسئله

پس از ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان و گسترش آن در مناطق مختلف، لازم بود دستورات عملی که در اسلام به نام فروع دین موسوم است نیز به مردم ابلاغ شود و این نمیتوانست کار هر کسی باشد به همین دلیل اشخاصی پرورش یافتند که به آنها فقیه می‌گفتند و وظیفه اولیه آنها در کنار و طایف دیگر، ابلاغ دستورات دین به مردم بود. این ایده بر گرفته از دستورات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و

متکي بر آیات قرآني از جمله آیه شریفه نفر بود که میفرماید: (و ما کان المؤمنون لینفروا کافه فلو لا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقھوا فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون) [3] از همین رو در طول سالیان درازی که از عمر اسلام میگذشت موضوعاتی پدید میآمد که در عصر اول، آن موضوعات وجود نداشته تا حکم آن سؤال شود. و از سوی دیگر همواره فقهای آمده که دریچههای جدیدی در فقه گشودهاند و این تجدد موضوعات و تکثر افقهای اجتهادی به تنوع فتاوی فقهی انجامیده است. برجستگی برخی از فقیهان آنان را شایسته زعامت فکری و بر رأس فقها قرار داده است و کسانی که در درجات کمتر از آنان در فقه بودهاند تمایل به نظر آنان یافته، و برخی از نظر دیگری جانبداری کردهاند.

فقه مقارن یعنی عرصه تضارب این فتاوا و آرایش حضور آنان، برای انتخاب برتر. فقه مقارن در گذشته به خلافت، [4] فقه الخلاف و علم الخلاف [5] موسوم بوده و امروزه به فقه تطبیقی، فقه مقایسه‌ای و فقه مقارن تعبیر میشود. در اینکه آیا تمامی این اسامی یک مطلوب دارند یا هر کدام معنای خاص خود را دارد، اختلاف نظر وجود دارد که بعد از تعریف فقه مقارن به آن میپردازیم. این پژوهش بهطور شخصی به پاسخگویی در برابر پرسشهای زیر میپردازد:

1. چه متغیرها و عواملی بر پیدایش خلاف میان فقهاء مذاهب تأثیر نهاده است؟
2. تاریخ فقه مقارن و ادوار آن از چه تطوراتی عبور کرده است؟
3. پیشگامان فقه مقارن چه کسانی بودهاند؟
4. توسعه فقه مقارن چه تأثیری بر فرایند تقریب مذاهب و رفع خلاف دارد؟

تعریف فقه مقارن

فقه در لغت به معنای علم و فهم چیزی است. [6] و در اصطلاح نیز گفته شده: العلم بالاحکام الشرعیه الفرعیه عن ادلتها التفصیلیه یعنی دانستن احکام شرعی بر اساس بررسی دلیل قرآنی یا روایی آنها. [7]

تعریف لغوی و اصطلاحی فقه مقارن به شرح زیر است:

الف . تعریف لغوی

از ماده قرن و به معنای جمع و وصل بین دو چیز است (قرن الشی بالشی). و چون باب مفاعله برود مصدرش مقارنه میشود. [8]

ب . تعریف اصطلاحی: [9]

«تقریر آراء المذاهب الفقھیة الاسلامیه فی مسأله معینة، بعد تحریر محل النزاع فیها، مقرونه بادلته‌ها، و وجوه الاستدلال بها، و ما ینھض علیہ الاستدلال من مناهج اصولیه، و خطط تشریعیه، و بیان منشأ الخلاف فیها، ثم مناقشه هذه الادله اصولیا والموازنه بینها و ترجیح ما هو اقوی دلیلا، او اسلم

منهجا، او الاتیان برآی جدید، مدعم بالدلیل الارجح فی نظر الباحث المجتهد» [10]: یعنی «ابتدا بعد از مشخص شدن محل نزاع در مسأله فقهی، گزارش آراء مذاهب فقهی همراه با ادله و وجوه استدلال آنها طبق روشهای اصولی است، وبعد بیان علت نزاع و خلاف و سپس موازنه و ارزش گذاری بین ادله اصولی و ترجیح دادن دلیل قویتر یا روش سالمتر یا آوردن رأی جدیدی که به دلیل ارجح تکیه داشته باشد».

تعریف علم الخلاف (فقه الخلاف)

ابن خلدون در مقدمه خویش، در تعریف علم الخلاف چنین میگوید: «وكان في هذا المناظرات بيان مآخذ هؤلاء -الائمه و مئارات اختلافهم و مواقع اجتهادهم، كان هذا الصنف من العلم يسمى بالخلافيات.» [11] او میگوید: «در این مناظرات منابع ائمه و انگیزه‌های اختلاف و جایگاه اجتهادشان بیان میشد، که این صنف از علم، به خلافیات موسوم شد.»

و نیز گفته شده: «و هو علم يعرف به كيفيه ايراد الحجج الشرعيه و دفع الشبه و قواعد الادله الخلافيه بايراد البراهين القطعيه»؛ «علمی است که بوسیله آن چگونگی ارائه حجت‌های شرعی و دفع شبه و پوسیدگی ادله خلاف با آوردن برهان‌های قطعی شناخته میشود.» [12]

فقه مقارن، یا فقه خلاف؟

قبلا اشاره کردیم که اسامی چندی برای این نوع فقه (فقه مقارن) به کار برده میشود. حال، آیا تمامی این اسامی یکی است یا با یکدیگر فرق میکنند؟

بعضی قائلند این اسامی با هم فرق میکنند و هر کدام معنای مخصوص به خود را میکشد، مثلا فقه تطبیقی فقط ناظر به جمع‌آوری آراء و آن هم بدون دلیل و برهان است، اما فقه مقایسه‌ای سنجش‌گذاری بین آراء به همراه ادله را نیز انجام میدهد. [13] برخی معاصرین میگویند شما به فقه مقارن هر کدام از این اسامی را اطلاق کنید فرقی نمیکند زیرا غرض یکی است.

تاریخچه فقه مقارن

تمامی کسانی که در زمینه فقه مقارن قلم فرسائی کرده‌اند مختصری از تاریخچه آن گفته‌اند ولی متأسفانه به صورت مبسوط پژوهش انجام نداده‌اند و بسیار در حد موجز و گزرا آن را بیان کرده‌اند. سعی ما بر این است که قدری عمیقتر تاریخچه آنرا واکاوی کنیم.

1. اجتهادهای اولیه در صدر اسلام

اختلافات فقهی ارتباط مستقیم با افتتاح باب اجتهاد دارد؛ [14] اما این باب اجتهاد حتی در زمان پیامبر اکرم مفتوح بوده است و از مختصات دوران انقطاع وحی و فقدان پیامبر اکرم تلقی نمیگردد زیرا در زمان پیامبر گرامی نیز برخی از صحابی بودند که به اصطلاح در مواردی اجتهاد میکردند. به عنوان مثال نقل شده زمانی که پیامبر اکرم میخواستند معاذ بن جبل را به یمن بفرستند به او فرمودند: کیف تقضي اذا عرض لك قضاء؟ قال (معاذ) اقضي بكتاب الله، قال (رسول اکرم) فان لم تجد في

کتاب ا؟ قال فیسنه رسول ا قال فان لم تجد فی سنه رسول ا و لا فی کتاب ا؟ قال اجتهد رأیی و لا آلو، فضرِب رسول ا صدره و قال الحمد الذي وفق رسول رسول ا لما یرضی رسول الل هـ. [15] ای معاذ اگر مسأله‌ای برای تو پیش‌آمد کرد چه می‌کنی؟ معاذ گفت: طبق کتاب خدا حکم می‌کنم. پیامبر فرمودند: اگر در کتاب خدا نیافتی؟ معاذ عرض کرد به سنت رسول خدا. پیامبر فرمودند: اگر هم در سنت و هم در کتاب نیافتی؟ معاذ گفت: به رأی و اجتهاد خویش تکیه می‌کنم و کوتاهی نمی‌کنم.

باید توجه داشت که برخی از منابع اهل سنت با ادله خود این حدیث را رد می‌کنند برای نمونه در کتاب النبذ [16] چنین آورده شده است: فانه حدیث باطل، لم یروه احد الا الحارث بن عمرو و هو مجهول... این حدیث باطل است به چند دلیل:

الف: شخصیت حارث مجهول است.

ب: اصحاب معاذ نیز مجهول هستند.

ج: حدیث نیز ارسال دارد.

مضافاً بر اهل سنت، شیعه نیز این روایت را صحیح نمی‌دانند. مثلاً مرحوم علامه مجلسی چنین می‌گوید:

الف: این خبر از آحاد است که اصول معلومه در عبادات با آن ثابت نمی‌شود.

ب: راویان خبر معاذ مجهول هستند.

ج: لفظ روایت نیز مختلف نقل شده است.

د: در آخر اینکه بر فرض صحت تمام روایت، اجتهاد رأیی را اینگونه حمل می‌کنیم که، آنچنان اجتهاد و کوشش می‌کنم تا حکم خدا را در کتاب و سنت بیابم. [17]

باید توجه داشت که منظور از اجتهاد در اهل سنت با شیعه تا حدودی متفاوت است. اگر کشف احکام شرعی از منابع معتبر را استنباط یا اجتهاد بنامیم و برای آن ضوابطی قرار دهیم، شکی نیست که امری مطلوب خواهد بود. لکن با مراجعه به تاریخ کاربردهای واژه اجتهاد و تأویل در میابیم که این مفهوم در برخی از موارد دست‌آویزی برای مخالفت با نص قرار می‌گیرد، یا بعض برای توجیه برخی از رفتارهای خلاف نص در اداره حکومت به واژه اجتهاد تمسک جست‌هایند و مدعی شده‌اند که ایشان مجتهدانی بوده‌اند که مأجورند.

روشن است که منطق علمی و علم منطق نمی‌تواند با اجتهاد در مقابل نص موافق باشد. علم و منطق میکوشند که در مواجهه با بنیست و عدم وجود پاسخ صریح در نصوص یقینی و مورد قبول، همانند کتاب و سنت، مجتهد را از بنیست خارج نموده و در قالب و محدوده موافقت با نص به او اجازه استنباط احکام جدیدی را دهند، که حکم آن در نصوص به‌طور صریح ذکر نشده باشد. این چه اجتهادی است که از کتاب و سنت، برتر است و چگونه مجتهد آن قدر ارزش و عظمت یافته که رأی شخصی او می‌تواند مصدر تشریع باشد. [18]

اما می‌توان گفت معنای اجتهادی که از قرن ششم [19] به بعد شکل گرفت [20] و امروز نیز رایج است

عبارت است از: کوششی که فقیه برای تعیین حکم شرعی از ادله شرعی به کار میگیرد، چه به طریق کشف حکم از ظاهر نصوص و ادله دیگر، و چه از راه تعیین وظیفه عملی به هنگام فقدان نص، [21] که این اجتهاد بر خلاف برخی از اجتهادات، اجتهاد در برابر نص نیست.

2. اختلاف فتوا در عصر صحابه (جرقه‌های مقارنه)

در زمان حضرت رسول گاهی دیده شده که مسائلی برای صحابه، پیشآمده که هر کدام بنا بر استعداد و نظر خود، به شکلی متفاوت از بقیه عمل میکرده اند. ما به یک مورد از این اختلافات صحابه که ثمره عملی هم برای آنها داشته اشاره مینمائیم.

الف: به هنگام حرکت جهادی به سوی قبیله بنی قریظه پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «لا یصلین احد العصر الا فی بنی قریظه فادرک بعضهم العصر فی الطريق، فقال بعضهم: لا نصلی حتی نأتیها و قال بعضهم: بل نصلی، لم یرد منا ذلک، فذکر للنبی (ص) فلم یعنف واحدا منهم». [22] یعنی: «هیچ کدام از شما نماز عصر را نخواند مگر در بنی قریظه». سپس سپاه راه افتادند اما برخی در میان راه بودند که عصر شد. در این هنگام عده‌ای گفتند: ما نماز نمیخوانیم تا اینکه به بنی قریظه برسیم سپس نماز را در آنجا میخوانیم. اما بعضی دیگر گفتند: بلکه ما نماز میخوانیم و حرکت میکنیم. راوی میگوید جریان برای پیامبر اکرم گفته شد، اما حضرت هیچکدام از آنها را ملامت نکردند». زیرا یک گروه اینگونه استنباط کرده بود که ظاهر حرف پیامبر نافذ است پس ما باید نماز عصر را در بنی قریظه بخوانیم حتی اگر بعد از وقت عصر باشد. اما گروه دیگر در حدود احکام شرعی اجتهاد کرده و اینگونه فهمیده بودند که منظور رسول گرامی، سرعت در حرکت و زود رسیدن به بنی قریظه است و نباید اوامر و مقاصد شارع ضایع شود، زیرا نماز وقت مشخص دارد [23] (ان الصلاه کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا)، [24]، [25]

3. مقارنه در زمان تابعین

همانگونه که گفته شد در زمان صحابه بعضی اجتهادات صورت گرفت که طرفداران و مقلدینی نیز پیدا کرد و سپس این اختلافات در زمان تابعین پرورش یافت به شکلی که در یک موضوع فقهی برخی از تابعین بر مطابقت نظر یک صحابی و برخی بر نظر صحابی دیگری استدلال میکردند. تا اینکه اشخاصی (تابعینی) چون سعید بن المسیب و عروه بن الزبیر و ... در مدینه، عکرمه مولی بن عباس و عطاء بن ابی رباح و ... در مکه، و طاووس بن کیسان و وهب بن منبه الصفاوی و ... در یمن، و ابی ادريس الخولانی و مکحول بن ابی مسلم و رجاء بن حیوه و ... در شام، و ابی الخیر مرثد بن عبد اله الیزنی و یزید بن ابی حبیب و ... در مصر، و علقمه بن قیس النخعی و ... در کوفه، و محمد بن سیرین و ابی الشعثاء جابر بن زید و الحسن البصری و ... در بصره بر کرسی افتاء نشستند. [26]

برخی از مسائلی که مورد اختلاف بین تابعین قرار میگرفت عبارت بودند از: قرائت بسم الله در نماز، که برخی میخواندند و برخی نمیخواندند و بزرگان صحابه نیز بودند و به تابعین اجازه میدادند. جهر به بسم الله و اخفات آن، قنوت در نماز صبح و عدم آن، وضو گرفتن در قبال حجامت و خون دماغ و قیء و مس

آلت و مس زنان از روی شهوت و خوردن گوشت شتر و ... و عدم وضو در قبال اینها. [27]

درست در همین دوره بود که برخی از رسائل و کتب در باب اختلافات فقهی نگاشته شد که از باب نمونه میتوان به کتاب اختلاف امام علی (علیه السلام) با ابن مسعود [28] اشاره کرد. البته باید توجه داشت که اینگونه نوشتهها به شکل وسیع و در تمامی ابواب نبودند.

ادوار فقه مقارن

همانگونه که میدانیم دانشمندان علم فقه، ادواری را برای این علم ترسیم کردهاند، که برخی بر هشت دوره برخی دیگر بر نه دوره و عدهای هم بیشتر و کمتر از این تقسیم کردهاند. [29] ولی با توجه به اینکه فقه مقارن در ابتدا یک منهج و روش فقهی بوده ولی به مرور خود به یک علم مستقل تبدیل شده است، جا دارد که تحقیقی جامع برای تدوین ادواری برای فقه مقارن در نظر گرفته شود. البته باید اشاره کرد اگرچه بعضی به تنظیم نمایه ادوار این علم دست زدهاند ولی تلاش و تحقیقی توأم با مستندات تاریخی گسترده انجام نگرفته است. ما در اینجا به صورت مختصر تقسیمبندی اولیهای را برای این علم پیشنهاد میکنیم تا مبنایی برای تصحیح و تکمیل پژوهشگران دیگر باشد. لازم به ذکر است که در این تقسیم با توجه به اینکه علم فقه با علم فقه مقارن مرزهای بسیار نزدیک و بعضاً مشترکی دارد ممکن است برخی، ادوار تداخل داشته باشند ولی چون تاریخ پیدایش علم خلاف متأخر از فقه است زمان آندو با هم کمی متفاوت میشود.

دوره اول. بستر پیدایش

بعد از رحلت جانشین پیامبر عظیم الشأن و در عهد خلیفه نخست، حکومت اسلامی بیشتر به مسائل داخلی پرداخت و سعی در تحکیم پایههای خلافت در داخل محدوده اسلامی داشت. پس از اتمام خلافت خلیفه اول و روی کار آمدن خلیفه دوم وضعیت اسلام بسیار متفاوت از قبل بود. زیرا به علت وسعت فتوحات اسلام، لازم بود در هر منطقهای که به تصرف مسلمین در میآمد کسانی فرستاده شوند تا متولی امور قضا و افتاء و ... شوند. به همین دلیل برخی از صحابه به مناطقی فرستاده میشدند مانند ابن مسعود و ابو موسی اشعری و ... اما برخی دیگر از صحابه بزرگ در مقر خلافت که مدینه بود باقی میماندند تا در مواقع نیاز مورد مشورت قرار گیرند.

ولی در زمان خلیفه سوم به صحابیان اجازه داده شد تا از مرکز خلافت خارج شوند، بدین سبب برخی از صحابه به مصر، برخی به شام و برخی به عراق رفتند؛ که عراق بیشترین سعادت را در جلب صحابیان بزرگ به دست آورد به خصوص در زمان خلافت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام که عراق و بخصوص شهر کوفه مرکز خلافت و حکومت شد و بسیاری از صحابه در آنجا رحل اقامت گزیدند. اما در مقابل، بعضی دیگر در مدینه باقی ماندند و از آنجا خارج نشدند.

همین رحل اقامت افکندن جمعی از صحابه در این دو منطقه، نقطه عطف رقابت بین حجاز و عراق در علم و فرهنگ شد. [30] از همینرو دو مدرسه به وجود آمد به نام مدرسه مدینه یا حجاز و مدرسه عراق یا کوفه که وجه تمایز این دو مدرسه این بود که، مدرسه مدینه حدیثگرا بودند و بیشتر بر مبنای سنت و روایات کار میکردند به همین سبب به مدرسه الحدیث نیز موسوم بود و مدرسه عراق بر مبنای رأی و قیاس کار خویش را ادامه میدادند به همین جهت به مدرسه الرأی نیز خوانده میشدند. [31]

نمونههایی از اختلافات مدرسهای رأی و مدرسهای حدیث

طبیعی است که وقتی مبنای فقهی این دو مدرسه با هم متفاوت باشد، فتاوا نیز رنگی متفاوت با هم پیدا میکنند. در اینجا ما به چند نمونه از اختلافات این دو مدرسه اشاره میکنیم:

الف. بلند کردن دو دست از کتف در هنگام نماز:

اهل مدینه میگفتند در هنگام افتتاح (شروع) نماز و هنگام تکبیر رکوع و هنگام بلند کردن سر از رکوع باید دستها را بلند کرد ولی اهل کوفه میگفتند دستها را فقط هنگام افتتاح باید بلند کرد. و هر کدام ادله خویش را اقامه میکردند که ذکر آن از حوصله بحث ما خارج است. [32]

ب. قرائت پشت سر امام (در حال جماعت):

نظر مدرسه مدینه بر این است که در نمازهای اخفاتی (سری) باید قرائت را با امام خواند، ولی در نمازهای جهری به دلیل آیه شریفه: (و اذا قرء القرآن فاستمعوا له و انصتوا لعلکم ترحمون) [33] قرائت را نباید خواند. [34] اما مدرسه کوفه قائلند که مطلقاً قرائت را با امام نباید خواند. [35] ج. قبول قضاوت با یک شاهد و قسم مدعی و عدم قبول آن.

د. تجویز قضاوت زنان و عدم آن.

متغیرهای تأثیر گذار بر اختلاف فتاوا

در هر دورهای عواملی باعث اختلاف فتاوا میشدهاند که بعضی منشأ آنها را محیط جغرافیایی یا علل سیاسی یا علل قومی زبانی و... میدانند، مضافاً بر این علما هم کتب بسیاری را فقط به اسباب اختلاف اختصاص دادهاند که مهمترین آنها عبارتاند از: الانصاف از بطلیوسی، اسباب اختلاف الفقهاء از الزلمی، اثر الاختلاف فی القواعد الاصولیه فی اختلاف الفقهاء از سعید الخن و... اما برخی از این متغیرها به قرار زیر هستند:

1. اختلاف از جهت اشتراک لفظ که منجر به تأویل میشود.

2. اختلاف از جهت حقیقت و مجاز.

3. اختلاف از جهت مفرد و مرکب.

4. اختلاف از جهت عموم و خصوص.

5. اختلاف از جهت روایت به دلیل فساد سند، نقل به معنا، جهل به اعراب، خطا در نگارش لفظ، افتادگی جزئی از حدیث، ...
6. اختلاف از جهت اجتهاد و قیاس.
7. اختلاف از جهت ناسخ و منسوخ.
8. اختلاف از جهت اباح هـ. [36] و اینها تنها بخشی از عوامل مؤثر در اختلاف فتاوا بودند.

دوره دوم، عصر تدوین

پس از عصر صحابه و تابعین این دو مدرسه به کار خویش ادامه دادند. لازم به ذکر است که در زمان تشریع و عصر صحابه و تابعین هنوز هیچ مذهبی شکل نگرفته است. اما همانگونه که قبلاً متذکر شدیم مدارس مشغول به فعالیت بودند و نیز اشخاصی که در رأس بودند به این مدارس جنبه شخصی داده بودند اما به صورت مذهب مستقل مطرح نبودند. ولی میتوان گفت مذاهب فردی همچون عبدالله بن مسعود و ... در مکتب رأی و مذاهب فردی همچون عبدالله بن عمر و ... در مکتب حدیث، هسته‌های اولیه مذاهب بعد از خودشان شدند. [37]

از ویژگیهای این دوره این است که تا قبل از این دوره اختلافاتی که بین صحابه یا تابعین بود به صورت مکتوب در نیامده و اگر هم بود، به حساب نمیآمده است ولی در این دوره که به اذعان برخی از اهل سنت، عصر «طهور نوابغ فقهاء» [38] است تدوین فقه و نوشتن اختلافات فقهی و همچنین تشکیل مذاهب فقهی نیز صورت گرفت.

از ویژگیهای دیگر این دوره این است که در دوره‌های قبلی بیشتر اختلافات به سبب اختلاف مدارس بود ولی در این دوره حتی اختلافات مهمی در بین فقهای یک مدرسه صورت می‌گرفت و تدوین میشد. به عنوان نمونه‌ای از اختلافات میتوان به اختلاف ابوحنیفه 150-80هـ با سفیان بن سعید الثوری 161-97هـ و شریک بن عبدالله النخعی 177-95هـ و محمد بن عبد الرحمن بن ابی لیلی 148-74هـ اشاره کرد. اختلاف ابوحنیفه که اهل رأی بوده با سفیان بن سعید الثوری که از حامیان حدیث به شمار میرفته مشخص است، ولی ابن ابی لیلی اهل رأی و نیز قاصی کوفه بوده و هم در قضا و هم در افتاء با ابوحنیفه اختلافاتی داشته‌اند. و گفته شده اختلاف ابوحنیفه با شریک که او نیز از اهل رأی بوده به دلیل رقابت و همچشمی بوده است. [39]

از دیگر ویژگیهای این عصر مناظره‌ها و مجادله‌هایی است که فقها با یکدیگر داشتند و همین مهمترین عامل برای نگارش کتابهای خلاف شد. به عنوان مثال میتوان اولین (اختلاف نگاشت‌هایی) که در این عصر تدوین شده را اینگونه توصیف کرد:

1. کتاب الحجه علی اهل المدینه:

این کتاب را محمد بن الحسن الشیبانی 189-132هـ بر رد امام مالک که از اهل حدیث بود نگاشت. [40]

2. کتاب الرد علی مالک بن انس:

این کتاب نوشته قاضي ابویوسف 183-112ه، شاگرد بزرگ ابوحنیفه است. (این کتاب موجود نیست) [41]

3. کتاب اختلاف ابی حنیفه و ابن ابی لیلی:

نوشته قاضي ابویوسف است ولي محمد بن الحسن الشيباني شاگرد دیگر ابوحنیفه این کتاب را از ابویوسف نقل میکند، البته شایان ذکر است که برخی معتقدند این کتاب همان سیر اوزاعي است. [42] به هر حال ابویوسف در ابتدا شاگرد ابن ابی لیلی بوده است و سپس به حلقه درس ابوحنیفه میپیوندد و چون محضر هر دو فقیه را درک کرده، از این رو به اختلاف هر دو آگاه بوده است به همین جهت در این کتاب به -نقاط مورد اختلاف دو استاد خویش اشاره میکند. او در بعضی موارد نظر خود را موافق با ابوحنیفه می داند و در برخی مسائل جانب ابن ابی لیلی را میگیرد.

پس از ابویوسف، شافعی از این کتاب استفاده کرده است و نظرات هر سه فقیه را نقل میکند؛ [43] مضافاً بر اینکه این نظرات را با نظرات علماء و فقهای دیگر مقایسه کرده و در کتاب الامّ خویش میآورد و نظر موافق با خود را انتصار میکند. [44] شافعی در کتاب الامّ، این کتاب را در بند 67 با عنوان کتاب اختلاف العرافیین به اینگونه شروع میکند: هذا کتاب ما اختلف فيه ابوحنیفه و ابن ابی لیلی عن ابی یوسف ...

4. اختلاف علي و عبدالله بن مسعود رضي الله عنهما،

5. کتاب اختلاف مالک و الشافعی،

6. کتاب الرد علي محمد بن الحسن، [45]

اضافه میکنیم شافعی سه کتاب اخیر را در الامّ به ترتیب در بندهای 67، 69 و 72 میآورد. [46]

7. کتاب الرد علي سیر الاوزاعي:

این کتاب نیز نوشته قاضي ابویوسف است. امام اوزاعي نیز خود اهل حدیث و از رأی و قیاس ناراضی بوده است و دارای مکتبی مجزا که امروز از آن به مذهب بائده (فراموش شده) یاد میشود، و به تبع اختلاف ابویوسف با او نیز مشخص است. [47]

8. کتاب الرد علي الشافعی في ما خالف فيه الكتاب و السنه:

تألیف محمد بن عبد الحكم متوفای 268 هـ است. [48]

در ادامه به دو مورد از اختلافات فقهی در این دوره اشاره میکنیم:

الف. وضو گرفتن در قبال خروج خون از بدن:

احمد بن حنبل قائل است که بعد از حجامت و رگزدن باید وضو گرفت، ابوحنیفه نیز میگوید اگر خون از بدن خارج شد باید وضو گرفت. اما ابویوسف هارون الرشید را دیده که حجامت کرد و نماز خواند و وضو هم نگرفت و مالک فتوا داد که اگر شخصی حجامت کرده باشد وضو نمیخواهد، پس ابویوسف پشت سر او نماز خواند و نمازش را هم اعاده نکرد. [49]

ب. اختلاف در دیه اهل ذمه:

ابوحنیفه قائل است دیه اهل ذمه با مسلمان مساوی است. ابن حنبل و مالک قائلند دیه اهل ذمه نصف دیه مسلمان است. شافعی قائل است دیه اهل ذمه ثلث دیه مسلمان است. [50]

دوره سوم. عصر رشد و تکمیل و توسعه (عصر طلایی)

همانطور که در مطالب گذشته اشاره شد اولین جرقهها و اولین کتابهایی که در باب خلاف فقهی یا همان فقه مقارن نگاشته شد به قرن دوم هجری بر میگردد [51] و کتبی همچون اختلاف ابی حنیفه و ابن ابی لیلی، الرد علی سیر الاوزاعی و اختلاف الشافعی مع مالک و ... خود شاهی بر این مدعی است. [52] اما در این قسمت سؤالی مطرح است و آن اینکه اولین کسی که در میان اهل سنت در فقه مقارن مصطلح امروزی، دست به نگارش زد کیست؟ در میان اهل سنت اتفاق نظری بر یک جواب واحد نیست و نظرات متفاوتی ایراد شده است که ما مختصراً به برخی از این دیدگاهها اشاره میکنیم.

اولین اختلاف نگار مصطلح

سه نظریه در این باب میتوان تعبیه کرد:

الف. برخی عبدالله بن عمر مشهور به ابوزید دیوسی م 430 هـ [53] صاحب التعلیقه فی مسائل الخلاف بین الائمة و نیز کتاب تأسیس النظر را اولین مؤلف در فقه مقارن میدانند. [54]

ب. برخی دیگر قائلند که ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری 224-310 هـ صاحب کتاب اختلاف الفقهاء اولین مؤلف در فقه مقارن است. [55]

ج. در نهایت برخی دیگر هم قائلند که طبری و امام طحاوی و ابن منذر از اولینهایی هستند که در این فن مانند علم مستقل تصنیف کردند. [56]

ولی آنچه به عنوان یک نظریه تحقیقی - پیشنهادی، که میتوان ارائه داد و جمع بین نظرات مختلف است، این است که ابن جریر طبری اولین کسی است که با هدف جمعآوری آراء فقهاء قبل و معاصر خویش و نظم دادن به ترتیب آنها و افزودن ادله هر یک به شیوه اختلاف نگاری که امروز با اصطلاح فقه مقارن در میان فقهاء شناخته میشود، کتاب اختلاف الفقهاء را نگاشت.

پیشگامان عرصه فقه مقارن

در هر صورت میتوان به عنوان پیشگامان این حوزه به اشخاص زیر اشاره کرد:

1. ابو جعفر محمد ابن جریر طبری. [57]

2. ابو جعفر طحاوی.

3. ابوزید دیوسی.

4. محمد بن نصر مروزی.

5. ابوبکر محمد بن ابراهیم بنالمنذر.
6. ابومحمد علی بن احمد الاندلسی الظاهری (ابن حزم).
7. محمد بن احمد بن رشد القرطبی الحفید.
8. ابی الحسن علی بن ابوبکر الفرغانی المرغینانی.
9. القدوری الحنفی.
10. ابوهبیر هـ .

برخی کتاب «اختلاف الفقهاء» نوشته ابن جریر طبری را نخستین کتاب در فقه مقارن می‌شمرند که باید توجه داشت به اینکه:

اولاً: کتاب به صورت کامل به ما نرسیده است. [58]

ثانیاً: این کتاب حاوی اختلاف نظرهای اشخاصی چون: مالک، الاوزاعی، الثوری، الشافعی، ابوحنیفه، ابویوسف، محمد بن الحسن الشیبانی، ابو ثور، و بعضی از فقهاء صحابه و تابعین و اتباعشان تا میانه قرن دوم هجری است. اما در این میان ذکر از احمد بن حنبل برده نشده است. دلیلش را از خود طبری می‌پرسند، او میگوید ابنحنبل قائلست به الجلوس علی العرش، سپس این بیت را انشاء میکند:

سبحان من لیس له انیس و لا له فی عرشه جلیس

و نیز میگوید: «شیوه من در این کتاب صرفاً جمعآوری نظریات مجتهدان است و نه محدثان، ازینرو از بازگو کردن نام و آرای احمد که از محدثان است، خودداری ورزیدم». [59]

حمایت و توسعه فقه مقارن کتب دیگری که به فقه مقارن یاری رساندند عبارتاند از:

1. بدائع الانوار و محاسن الآثار و اختلاف علماء اهل البيت، ابی جعفر محمد بن منصور بن یزید المقرئ المرادی الکوفی م 290،

2. اختلاف العلماء، محمد بن نصر المروزی م 294 هـ ،

3. الاختلاف، ابی اسحاق ابراهیم بن جابر المروزی الشافعی م 310 هـ ،

4. الاوسط فی السنن و الاجماع،

5. اختلاف العلماء،

6. الاشراف علی مذاهب اهل العلم، این سه اثر اخیر تألیف ابی بکر محمد بن ابراهیم بن المنذر الشافعی م 318 هـ است.

7. اختلاف الفقهاء (العلماء)، ابو جعفر الطحاوی الحنفی م 321-229 هـ ، او در ابتدا شافعی مذهب بوده است بعد مذهب حنفی را اختیار میکند. گفته شده این کتاب بسیار ضخیم و در حدود 130 جزء بوده است که توسط حصار م 370 هـ تلخیص میشود و اکنون تحت عنوان مختصر اختلاف العلماء موجود است. [60] لازم به ذکر است اسم کتاب در بعضی از منابع اختلاف الفقهاء [61] و در برخی دیگر اختلاف العلماء آمده است.

8. اختلاف الفقهاء، محمد بن محمد بن الباهلي الشافعي م 321 هـ ،

9. المجرد في النظر، ابو علي حسن بن قاسم الطبري م 350 هـ ،

10. التجريد، القدوري الحنفي 362-428 هـ ،

اکنون جاي آن است که به نکته دقيقي اشاره کنیم و آن اینکه پس از آثار بوجود آمده در فقه مقارن که به رشد آن نیز انجامید، کتاب «تأسيس النظر» تأليف ابو زيد الدبوسي الحنفي م 430 هـ به همراه کتبي چون الخلافيات تأليف بيهقي الشافعي 384-458 هـ و الحاوي للماوردی م 450 هـ و ... موجبات تکميل کتب فقه مقارن را فراهم کردند.

پس از آثاري که به رشد و تکميل کتب فقه مقارن کمک رساندند، آثاري بوجود آمد که به توسعه فقه مقارن منجر شد.

سائقهائي که به تدوين فقه مقارن و اهتمام فقها براي جمعآوری فتاواي دانشمندان مختلف، انجاميد در موارد زیر خلاصه ميشود:

الف. گرايش به ارائه و شناسائي علت احکام و مقایسه فتاواي ناظر به آن (تعليل الاحکام)

ب. ايجاد زمينه براي انتخاب صحيح و ترجيح اقوال داراي مباني مستحکمر (الترجیح)

ج. يارگيري براي یک مکتب فکري و فقهی از طريق تطبيق فتاوا و سنجش استحکام ادله آن (الانتصار للمذهب)، [62]

اما آثاري که به واسطه مبسوط بودن و ارائه ابواب مفصل به توسعه فقه مقارن ياري رساندند از اين قراراند:

1. المحلي، تأليف ابو محمد علي بن احمد الاندلسي الظاهري 384-456 هـ در يازده جلد. البته او قبل از اينکه اين کتاب را تمام کند فوت کرده است و فرزندش الفضل ابو رافع از کتاب الايصال پدر، کتاب المحلي را به اتمام ميرساند. [63]

روش ابن حزم در المحلي به اينگونه است که او ابتدا مسأله را عنوان ميکند سپس ميگويد: قال ابو محمد که کنيه خودش است يا ميگويد: قال علي که اسمش است و سپس فقه خودش را ذکر ميکند و آن را با آيه و حديث از پيامبر اکرم مستدل ميکند و گاهي به اجماع و گاهي به مجموع اينها استدلال ميکند. بعد فقه صحابه و تابعين و اتباعشان را ذکر ميکند تا به فقه ابوحنيفه و مالک و شافعي ميرسد و بعضا از كبار شاگردان آنها نیز نقل ميکند. ولي فقه احمد را به شکل نادر ميآورد، زيرا احمد را امام المحدثين ميدانند. و اين نقل فقه را تا نيمه قرن پنجم هجري ادامه ميدهد. [64]

2. بدايه المجتهد و نهايه المقتصد، تأليف محمد بن احمد بن محمد بن احمد بن رشد القرطبي الحفيد المالكي 520-595 هـ است. [65]

3. الهدايه شرح بدايه المبتدي، تأليف برهان الدين ابي الحسن علي بن ابي بکر الفرغاني المرغيناني الحنفي 511-593 هـ ، مؤلف در ابتدا کتابي مينويسد به نام بدايه المبتدي که به گفته خودش حد وسطي

است بین المختصر القدوري و الجامع الصغير محمد شيباني، سپس خودش به این کتاب شرح وسیعی مینویسد در حدود هشتاد جلد، و آن را کفایه المنتهی مینامد و سرانجام خودش آن را مختصر میکند که همان کتاب الهدایه میشود، و تاریخ تألیف آن 573 هـ است. [66]

4. المغنی، تألیف موفق الدین ابو محمد عبدالله بن احمد بن قدامه المقدسی الدمشقی الحنبلی 541-620 هـ که در نه جلد است.

این کتاب بر اساس حنبلی نگاشته شده و ابن قدامه نظرهای صحابه و تابعین و علمای مشهور اعمار مختلف را به همراه ادله آنها میآورد و در نهایت ادله ترجیح مذهب حنابلہ را مینگارد. [67]

5. المجموع شرح المذهب، نوشته ابو زکریا یحیی بن شرف النووی الدمشقی الشافعی 631-676 هـ، اما خود کتاب المذهب نوشته ابو اسحاق ابراهیم بن علی بن یوسف الشیرازی 393-476 هـ است. نووی این کتاب را به صورت مبسوط مینگاشته است به گونهای که کتاب الحیض تا جلد سوم رسیده بود اما سرانجام او از این روش دست برداشت و مقداری خلاصهتر نوشت اما اجل او را مهلت نداد و تا باب ربا از کتاب البیوع را تا جلد نهم نگاشت، و سپس تقی الدین ابو الحسن علی بن الکافی السبکی کار را ادامه داد و تا یازده جلد رساند اما اجل او نیز قبل از اتمام کتاب فرا رسید و فرصت اتمام کتاب را نیز از او گرفت. اکنون این کتاب ضخیم در بیست و هفت جلد موجود و به چاپ رسیده است. [68]

البته باید ذکر کنیم که کتب فراوان دیگری هم یافت میشوند که ما به جهت محدودیت ظرفیت مقاله از ذکر آنها صرف نظر می‌کنیم.

دوره چهارم. عصر بی رغبتی به فقه مقارن (عصر رکود فقه مقارن)

بعد از توسعه کتب و فن علم فقه مقارن و در قرن هشتم هجری که اختلافات مذاهب فقهی شیعه و اهل سنت بر اثر تعصبات ملوک و حاکمان وقت به اوج خود رسید، علم الخلاف رو به فراموشی گذاشت و جای خود را به مطاعن و دشمنی داد. به گونهای که در تاریخ نقل شده اگر شخصی حنفی مذهب بر حنبلیهای گیلان وارد میشد او را به جرم کفر میکشتند و در اموالش به عنوان فیه تصرف میکردند. یا آورده شده که در بلاد ماوراءالنهر از بلاد احناف یک مسجد برای شافعیها بوده است و والی آن بلد هر روز که برای نماز صبح خارج میشده میگفته آیا وقت آن نرسیده که این کنیسه بسته شود تا اینکه یک روز درب آن مسجد را گیل گرفتند. باز در تاریخ آمده که شافعیها به طعنه میگفتند ابوحنیفه از موالی است و از ائمه حدیث نیست و حنفیها هم در نسب شافعی طعنه میزدند و نیز میگفتند بخاری و مسلم، شافعی را درک کرده ولی از او نقل روایت نکرده‌اند و گفته شده است حنفیها روایتی نقل میکردند: «یکون فی امتی رجل یقال له النعمان هو سراج امتی، و یکون فیهم رجل یقال له محمد بن ادریس، هو اضر علی امتی من ابلیس». [69]

دوری و دشمنی با شیعیان از این هم فاجعه آمیزتر بود چنانکه ترکان عثمانی شیعیان را متهم کردند که جشان کربلا و نجف است و آنان به مکه میآیند تا کعبه را آلوده به نجاست کنند. [70]

تمامی این مسائل سبب شد تا مذاهب از یکدیگر دور شده و اقبال چندان به آثار مذهب مقابل خویش نکنند و این کافی بود تا علم فقه مقارن در نهایت افول و خمودی به سر برد. و اگر هم اسمی از فقه یا نظریات مذهب مقابل خویش می‌آوردند جنبه طعن و خدش داشت تا ترجیح دلیل اقوی.

اما برخی از آثار در این دوره عبارت‌اند از:

1. تنقیح التحقيق، ابن عبد الهادي م 733 هـ . [71]

2. القوانين الفقهية، ابن جزى م 741 هـ . [72]

3. اسرار الانوار لعمل الابرار، شيخ يوسف اردبيلي شافعي م 779 هـ . [73]

4. الدر المنتقى المجموع في تصحيح الخلائق المطلق في الفروع، علاء الدين ابي الحسن علي بن سليمان المرداوي الدمشقي الحنبلي 817-885 هـ .

5. الانصاف، المرداوي (سابق الذكر) . [74]

6. الميزان الكبرى، عبد الوهاب الشعراني، 973-898 هـ در دو جلد است.

دوره پنجم. عصر حاضر یا عصر موسوعه‌ها

پس از آنکه در هر علمی تحقیقات علما و کندوکاو آنها بسیار شد، ابواب جدیدی نیز باز میشود و این سیر اگر ادامه یابد پس از چندی آن علم به حد انفجار میرسد و گوئی دیگر به نهایت خود رسیده و جای برای فرجه شدن ندارد، در این هنگام اگر شخصی بخواهد به تمامی آن علم و کتب موجود در آن مراجعه کند واقعا کاری بس، در غایت مشکل است و حتی میتوان گفت بعضا غیر ممکن مینماید. از این رو دانشمندان بر آن شدند تا تمامی کتب و علوم را به شیوه‌ای نگارش کنند که محقق به راحتی بتواند یک اشراف اجمالی بر آن علم پیدا کند، [75] به همین دلیل کتبی نگاشتند به نام موسوعه و ویژگی‌هایی را برای آنها برشمردند که مواردی از آنها چنین است:الف. شامل تمامی آن علم شود. ب. ترتیب دسترسی به آن سهل الوصول باشد. ج. اسلوبش ساده و روان باشد. د. منابع موثق داشته باشد. هـ . اطمینان آور باشد. و ... [76] البته اگرچه در روند کار تمامی این اهداف تحصیل نشد، اما آثاری بوجود آمد که در مجموع بر طرف کننده نیاز حاضر بود.

تاریخچه موسوعه‌های فقهی

اولین بار در 1370 هـ 1951 م، کنفرانس (اجلاس) فقه اسلامی در پاریس، دعوت به تألیف موسوعه فقهی کرد که در آن اصطلاحات حقوقی اسلامی را طبق الگوهای حدیثی و ترتیب معجمی جمع‌آوری کنند. و برای اولین بار دانشکده شریعت در دانشگاه دمشق در 1375 هـ 1956 م اقدام به این کار کرد که ثمرهای کارهای مقدماتی چون معجم فقه ابن حزم شد. سپس در 1381 هـ 1961 م وزارت اوقاف مصر، موسوعه فقهی نگاشت. و پس از آن وزارت اوقاف کویت در 1386 هـ 1967 م به تألیف موسوعه فقهی همت گماشت که این کار در 1390 هـ

1971 م متوقف شد و از بین پنجاه موضوع فقط توانستند سه موضوع را بررسی کنند. اما مجدداً در 1394 هـ 1975 م شروع به کار کردند و اولین جزء موسوعه را در 1400 هـ 1981 م چاپ کردند و سال بعد نیز جزء دوم را نوشتند، اما قاهره دست به کار بسیار عظیمتری زد و آن اینکه فقه تمامی مذاهب موجود هشتگانه را جمع کنند که شامل مذاهب مالکی، حنفی، شافعی، حنبلی، زیدی، جعفری، اباضی و طاهری میشد. [77]

موسوعه‌های حاضر

اما برخی از موسوعه‌هایی که در زمینه فقه مقارن نگاشته شده‌اند و امروز رواج دارند عبارت‌اند از:

1. الموسوعه الفقهيه (الکویتیه):

این مجموعه عظیم که توسط وزارت اوقاف کویت تهیه و چاپ شده است بالغ بر چهل و پنج جلد است. ویژگی‌های الموسوعه الفقهيه

الف. این موسوعه طبق حروف الفبائی است که به تبع در جستجو موضوعات بسیار کارائی زیادی دارد.

ب. در پایان هر جلد، ترجمه اعلامی که در آن مجلد ذکر از آنها آورده شده را جمع کرده است.

ج. مسائل نو ظهور و مستحدثه در پیوستی جداگانه آورده شده‌است.

د. مباحث اصولی را نیز در پیوستی مجزا آورده‌است.

ه. معانی الفاظ غریب فقهی که متداول هستند را به صورت لغوی و اصطلاحی در ابتدای هر مبحثی، توضیح داده‌اند.

این موسوعه فقهی در بر دارنده نظرات ائمه مذاهب اربعه و اصحاب و شاگردان آنها است و گاهی به فتوای بعضی از صحابه نیز اشاره کرده است. [78]

2. موسوعه الفقه الاسلامی (المقارن):

این مجموعه کبیر که حاصل تلاش وزارت اوقاف دولت مصر است به موسوعه جمال عبد الناصر مشهور است، زیرا این کار به دستور خود او بوده است.

ویژگی‌های موسوعه جمال عبد الناصر

الف. مجموعه‌ای است بسیار جامع، و نظرات فقهی هشت مذهب موجود را به ترتیب حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی، طاهری، زیدی، امامی و اباضیه آورده است.

ب. این موسوعه طبق حروف الفبائی است، از این رو دسترسی به آن بسیار ساده است.

ج. در هر موضوعی ابتدا بحث لغوی سپس اصطلاحی و بعد تقسیم و انحاء و شقوق آن را می‌آورد و سپس در آخر نظرات مذاهب مختلف را به ترتیب و جداگانه ذکر میکند.

این موسوعه در سال 1429 هـ 2008 م تا جلد سی و یکم و تا حرف الف به چاپ رسیده است و آخرین مدخل آن در جلد سی و یکم طبق حروف الفبائی به کلمه الایداع ختم میشود. [79]

نوشته دکتر وهبه الزحيلي در نه جلد ضخيم است.

ویژگیهای کتاب الفقه الاسلامي و ادلته

الف. این کتاب طبق ابواب فقه است مثلاً الباب الاول: الطهارة، الباب الثاني: الصلاة و احکام الجنائز و الباب الثالث: الصيام و الاعتکاف و

ب. مؤلف نظرات مذاهب اربعه را آورده و به ندرت برخي از روایات صحابه و تابعین و ... را هم جمع آوري کرده است.

ج. در جلد آخر این کتاب مباحث مربوط به حکومت اسلامي و شرائط دولتهای اسلامي و امور مربوط به آنها را بحث کرده است. [80]

توسعه فقه مقارن و تقریب مذاهب

توسعه فقه مقارن تأثیری مستقیم بر فرایند تقریب مذاهب و رفع اختلافهای فرقه‌ای دارد به‌گونه‌ای که اگر تمامی مذاهب بدون تعصب عرضه نظرات و ادله فقهی و حقوقی یکدیگر و در کنار هم آن بپردازند بهداشت روانی قابل ملاحظه و ظرفیت سازی چشم گیری را در خردورزی و تحمل یکدیگر به چشم خود ملاحظه خواهند نمود. اینک بطور فشرده به برخی از آثار توسعه فقه مقارن اشاره می‌شود:

1. فراهم شدن زمینه مساعد از طریق تبادل افکار و اندیشه‌های مختلف مذاهب برای دستیابی به حقایق و واقعیت‌های اسلامي در ابعاد گوناگون آن.

2. تکمیل و غنی سازی فقه اسلامي.

3. آشنائی دانش‌پژوهان به نسبت‌های دروغینی که تفرقه‌افکنان به برخی از پیشوایان مذاهب داده‌اند.

4. برچیده شدن اهریمن جهل و عدم آگاهی از نظرهای یکدیگر که بزرگترین عامل اختلاف است و با توسعه فقه مقارن این مشکل حل میشود و به تقریب میانجامد.

5. تقویت حلقه‌های مناظره و گفتگو در راستای طرح و تضارب آراء حقوقی و فقهی هریک از مذاهب و آگاهی پیروان از نقاط قوت و ضعف خویش آگاهی میابد.

6. اختصاص مکان و منزلت شایسته به هریک از مذاهب هموزن استحکام و دقت آراء فقهی.

7. پدیدار شدن نوعی آشتی پذیری کلی در کنار پذیرفتن تفاوت‌های فقهی موجود بین تمامی مذاهب و طبیعی انگاری آنها.

8. تفکیک معنی اختلاف نظر فقهی از معنی ضدیت ، تعارض و دشمنی

از مطالب ایراد شده در این مقاله میتوان به این نکته دست یافت که اگر واقعا به فقه مقارن پرداخته شود و به معنای واقعی آن در تمامی مذاهب بها داده شود میتوان در سرتاسر جهان در موضوعات مختلف بهترین حکم را به همراه بهترین استدلال به دست آورد به خصوص برای حل مسائل حقوقی، زیرا یکی از ثمرات فقه مقارن، حقوق تطبیقی است که امروزه بسیار حائز اهمیت است. جهان امروز به مثابه دهکدهای شده که با وسائل پیشرفته امروزی تمامی آنچه در آن میگذرد در کمترین زمان ممکن قابل پیگیری است و جهان امروز خواستار بهترین احکام برای مشکلات قانونی و حقوقی خویش است.

با امید به درخشانی روز افزون فهم و اندیشه ناب اسلامی و پرتو افشای بی انتهای آن بر تمامی عالم در سایه همدلی و همزیستی مسالمت آمیز پیروان مذاهب اسلامی در درون خانواده و دهکده جهانی اسلام این مقال را به پایان می بریم.

مهر المحرم - 1432، ژانویه - 2011

کتابنامه

قرآن کریم، به خط عثمان طه .

1. ابن القيم الجوزي م 751 هـ ، شمس الدين ابي عبدالله محمد بن ابي بكر، بي تا ، اعلام الموقعين عن رب العالمين، بي جا ، قاهره مصر: دار الحديث.

2. ابن النديم م 380 هـ ، محمد بن اسحاق ، (1350 هـ 1971 م)، الفهرست في اخبار العلماء المصنفين من القدماء والمحدثين، به تحقيق رضا تجرد، بي جا ، تهران: طبع دانشگاه تهران.

3. ابن انس، مالك، (1406 هـ 1985 م)، المؤطا، بي جا ، بيروت لبنان: دار احياء التراث العربي.

4. ابن خلدون المغربي، عبد الرحمن، مقدمه، بي جا ، مصر: انتشارات مصطفى محمد.

5. ابن قدامه المقدسي 620 هـ ، عبد اله بن احمد، (بي تا)، المغني علي مختصر ابن حسين بن احمد الخرقى، به مقدمه محمد رشيد رضا، بي جا ، بيروت: منار الاسلام عالم الكتب.

6. ابن منظور 630-711، (1408 هـ 1988 م)، لسان العرب، الطبعة الاولى، بيروت لبنان: دار احياء التراث العربي.

7. ابو البصل، دكتور علي، 2001 م، دراسات في الفقه المقارن، بي جا ، امارات متحده عربي دبي: دار القلم.

8. احسائي م 840 هـ ، ابن ابي جمهور، 1405 هـ ، عوالي اللئالي، قم: انتشارات سيد الشهداء.

9. احمد امام، دكتور عبد السميع، (2001 م)، منهاج الطالب في المقارنه بين المذاهب، به حاشيه محمد فاضلي، چاپ اول، بيروت لبنان: دار المدار الاسلامي.

10. اسلامي، دكتور رضا، (1384 ش)، مدخل علم فقه، چاپ اول، قم: انتشارات مركز مديريت حوزه علميه قم.

11. الاشقر، دكتور عمر سليمان، (بي تا)، تاريخ الفقه الاسلامي، بي جا ، كويت: مكتبه الفلاح دار

12. الاشقر، عمر سليمان، 1419 هـ 1999 م، مسائل في الفقه المقارن، ماجد، محمد عثمان، عبد الناصر ابو البصل، چاپ سوم، اردن عمان: دار النفائس.
13. اصفهاني، راغب، 1426 هـ 1384 ش، مفردات الفاظ القرآن، تحقيق عدنان داودي، چاپ پنجم، ايران قم: ذوي القربي.
14. الامين، دكتور محمد، (1423 هـ 2002 م)، مراعات الخلاف في المذهب المالكي و علاقتها ببعض اصول المذهب و قواعده، چاپ اول، دوله الامارات العربيه المتحده حكومه دبي: دار البحوث للدراسات الاسلاميه و احياء التراث.
15. الاوقاف، (1427 هـ 2006 م)، الموسوعه الفقيهيه (الكويتيه) الطبعة الاولى، الكويت: وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلاميه هـ .
16. الاوقاف، (1429 هـ 2008 م)، موسوعه الفقه الاسلامي المقارن الشهيره بموسوعه جمال عبد الناصر، قاهره مصر: وزاره الاوقاف و مجلس الاعلي الاسلامي.
17. البخاري م 256 هـ ، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل، (1427 هـ 2006 م)، صحيح البخاري، بي جا، صيدا بيروت: مكتبه العصري هـ .
18. البطليوسي، ابو محمد ابن السيد 521، (1424 هـ 2003 م)، الانصاف، تحقيق محمد رضوان الدليه، بيجا، دمشق، دارالفكر.
19. بيآزار شيرازي، عبد الكريم، (بهار 1384 ش)، «فقه مقارن»، كاوشي نو در فقه اسلامي، شماره 43.
20. جامعه ام القري، (بي تا)، فهرس الفقه الحنبلي، مكه مكرمه: جامعه ام القري.
21. الجصاص الرازي 370 هـ ، ابو بكر احمد بن علي، (1417 هـ 1996 م)، مختصر اختلاف العلماء، به مقدمه دكتور عبدالله نذير احمد، الطبعة الثانيه، بيروت لبنان: دار البشائر الاسلاميه هـ .
22. جناتي، آيت الله محمد ابراهيم، (1415 هـ)، دروس في الفقه المقارن، چاپ اول، قم: لمركز المنطقه الثانيه لمنظمه الاعلام الاسلاميه هـ .
23. جناتي، آيت الله محمد ابراهيم، (1374)، مجله كيهان انديشه مقاله پيشگامان فقه تطبيقي، شماره 59، از صفحه 35 تا 50.
24. جوهرى م 666 هـ ، اسماعيل بن حماد، (1404 هـ 1984 م)، الصحاح، چاپ سوم، بيروت: دار العلم للملايين.
25. حاجي خليفه 1067-1017 هـ ، مصطفى بن عبدالله القسطنطيني الرومي الحنفي الشهير بالملاکاتب الجبلي، 1410 هـ 1990 م، كشف الطنون عن اسامي الكتب و الفنون، بيروت لبنان: دار الفكر.
26. حسن (فرزند شهيد ثاني)، بن زين الدين، (1362 ش)، معالم الدين و ملاذ المجتهدين يا معالم الاصول، به اهتمام دكتور مهدي محقق، بي جا، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامي دانشگاه مگ گيل شعبه تهران

با همکاری وزارت فرهنگ و آموزش عالی.

27. حکیم، سید محمد تقی، 1428 هـ ، الاصول العامه للفقہ المقارن، چاپ اول، قم: انتشارات ذوی القربی.

28. الخضري بك، محمد، (1992 م)، تاريخ التشريع الاسلامي، به تعليقه زهير شفيق الكبي، چاپ اول، بيروت لبنان: دار الفكر العربي.

29. درس خارج فقه مفاہر استاد حسيني قزويني 1385،

30. الدريني، دكتور محمد فتحي، 1414 هـ 1994 م، بحوث مفاہرہ في الفقه الاسلامي و اصوله، چاپ اول، بيروت: مؤسسه الرسال هـ .

31. دهلوي 1114-1176 هـ ، ولي اله، (1406 هـ 1986 م)، الانصاف في بيان اسباب الاختلاف، به تعليقه عبد الفتاح ابو غده، چاپ سوم، بيروت لبنان: دار النفائس.

32. الزحيلي، دكتور محمد، (1412 هـ 1992 م)، الامام الجويني 419-478 هـ ، چاپ دوم، دمشق: دار القلم.

33. الزحيلي، وهبه، (1427 هـ 2007 م)، (موسوعه) الفقه الاسلامي المعاصر(و ادلته)، چاپ اول، بي جا (احتمالا دمشق): آفاق المعرفة دار المكتبي.

34. زمخشري 467-538 هـ ، ابو القاسم محمود بن عمر جار اله، (1404 هـ 1984 م)، اساس البلاغه، بي جا، بيروت: دار بيروت.

35. الساييس، محمد علي، (بي تا)، تاريخ الفقه الاسلامي، بي جا، مصر: انتشار محمد علي صبيح واولاده جامعه الازهریه كليه الشريعة هـ .

36. السجستاني الازدي 202-275 هـ ، ابوداود سليمان بن الاشعث، (1426 هـ 2006 م، سنن ابي داود، چاپ اول، صيدا بيروت: مكتبه العصري هـ .

37. الشاطبي، ابي اسحاق، 1425 هـ 2004 م، الموافقات في اصول الشريعة، تحقيق محمد عبد القادر الفاضلي، بي جا، صيدا بيروت: المكتبه العصري هـ .

38. الشافعي 150-204 هـ ، محمد بن ادريس، (1426 هـ 2005 م)، الام، چاپ اول، بيروت لبنان: دار ابن حزم.

39. الشعراني، عبد الوهاب (1425 هـ 2004 م)، الميزان الكبرى، الطبعة الاولى، القاهرة: مكتبه الثقافه الديني هـ.

40. شهيد ثاني، زين الدين بن علي العاملي 911-965، (1416 هـ 1374 ش)، تمهيد القواعد، گروهی از محققان، الطبعة الاولى، قم: مكتب الاعلام الاسلامي فرع خراسان.

41. الصدر، سيد محمد باقر، (1405 هـ 1985 م)، دروس في علم الاصول، الطبعة الاولى، بيروت لبنان: دار المنتظر.

42. ضميري، محمد رضا، 1384، درسنامه فقه مقارن پاسخ به شبهات فقهي، چاپ اول، ايران قم: مؤسسه آموزشي پژوهشي مذاهب اسلامي چاپ توحيد.
43. طبري م 310 هـ ، ابو جعفر محمد بن جرير، (1420 هـ 1999 م)، اختلاف الفقهاء، بي جا، بيروت لبنان: منشورات محمد علي بيضون دار الكتب العلمي هـ .
44. الطاهري 384-456 هـ ، احمد بن حزم الاندلسي القرطبي، به تصحيح محمد صبحي حسن حلاو، النبذ، دار ابن حزم.
45. الطاهري، احمد بن حزم الاندلسي القرطبي، (1416 هـ 1996 م)، المحلي، به تصحيح احمد محمد شاکر، بي جا، بيروت: دار الآفاق الجديد هـ .
46. العاملي، شيخ محمد بن الحسن الحُرّ، (1403 هـ 1983 م)، وسائل الشيعة الي تحصيل مسائل الشريعة، تحقيق عبد الرحيم الرباني الشيرازي، الطبعة الخامس، لبنان بيروت: درا احياء التراث العربي.
47. عرفه، محمد (1374 هـ 1955 م)، «كيف يستعيد المسلمون وحدتهم وتناصرهم»، رساله الاسلام، سال هفتم شماره 28.
48. العسكري، السيد مرتضي، (1404 هـ 1363 ش)، مقدمه مرآه العقول في شرح اخبار آل الرسول، بيجا، تهران: دار الكتب الاسلامي هـ .
49. العسكري، السيد مرتضي، (1426)، معالم المدرستين، الطبعة الثانيه، بيجا: مركز الطباعة و النشر للمجمع العالمي لاهل البيت عليهم السلام.
50. فياض العواني، دكتور طه جابر، 1413 هـ 1992 م، ادب الاختلاف في الاسلام، چاپ چهارم، بي جا، طبع المعهد العالمي للفكر الاسلامي.
51. الفيومي م720 هـ ، احمد بن محمد بن علي المقرئ، 1405 هـ ، المصباح المنير، چاپ اول، ايران قم: دار الهجر هـ .
52. القنوجي 1248-1307 هـ ، محمد صديق حسن خان، 1978 م 1357 ش، ابجد العلوم، بيروت: وزاره الثقافه و الارشاد القومي.
53. كباره، دكتور عبد الفتاح، 1418 هـ 1997 م، الفقه المقارن، چاپ اول، بيروت لبنان: دار النفائس.
54. مجلسي 1037-1110 هـ ، محمد باقر ، 1404 هـ ، بحار الانوار، بيروت لبنان: مؤسه الوفا.
55. محقق حلي، نجم الدين ابي القاسم جعفر بن الحسن الهذلي صاحب الشرايع (602-676 هـ)، (1403)، معارج الاصول، اعداد محمد حسين الرضوي، الطبعة الاولى، قم: مؤسسه آل البيت مطبعه سيد الشهداء.
56. محماني، صبحي، (1365 هـ 1946 م)، فلسفه التشريع في الاسلام، بي جا، بيروت: مكتبه الكشاف.
57. محمود، محمد عبد اللطيف، 1421 هـ 2000 م، الاختلافات الفقيهيه لدي الاتجاهات الاسلاميه المعاصره، چاپ اول، بي جا (احتمالا مصر)، دار الوفاء.

58. مذکور، محمد سلام (1393 هـ 1973 م)، مناهج الاجتهاد في الاسلام في الاحكام الفقيهيه و العقائديه، چاپ اول، جامعه الكويت.
 59. المرادوي الحنبلي، علاء الدين ابي الحسن علي بن سليمان 817-885 هـ (1419 هـ 1998 م)، الانصاف في معرفه الراجح من الخلاف علي مذهب الامام احمد بن حنبل، الطبعة الاولى، بيروت لبنان: دار احياء التراث العربي.
 60. المرغيناني، برهان الدين ابي الحسن علي بن ابي بكر الفرغاني، (بي تا)، الهدايه شرح بدايه المبتدي، به مقدمه محمد عدنان درويش، بي جا، بيروت لبنان: شركه دار الارقم بن ابي الارقم.
 61. مصري، ابن منظور 630-711 هـ، بي تا، لسان العرب، بي جا، بيروت لبنان: دار احياء التراث العربي.
 62. مكارم شيرازي، آيت الله ناصر، (1385 ش)، دائره المعارف فقه مقارن، با جمعي از محققان و اساتيد، چاپ اول، قم: مدرسه الامام علي بن ابي طالب عليه السلام.
 63. الملا، دكتور عبد الله بن محمد، (1428 هـ 2007 م)، تاريخ التشريع الاسلامي الفقه و اصوله وقواعده، چاپ اول، بي جا: جامعه ملك فيصل.
 64. الموسوي، سيد عبد الحسين شرف الدين، (1404)، النص و الاجتهاد، المحقق ابو مجتبي، الطبعة الاولى، قم: ابو مجتبي المطبعه سيد الشهداء.
 65. النووي، محي الدين ابي زكريا يحيي بن شرف، (1423 هـ 2002 م)، المجموع شرح المذهب، المذهب للامام ابي اسحق ابراهيم بن علي بن يوسف الشيرازي، به تحقيق هشت نفر، چاپ اول، بيروت لبنان: منشورات محمد علي بيمون.
 66. شاخت، ژوزف (يوسف)، مدخل اختلاف از دائره المعارف اسلام، جلد سوم.
- 66 . j. Schacht. Encyclopaedia of Islam. Ikhtilaf. III.

[1]- . دانشيار گروه فقه و مباني حقوق اسلامي دانشكده الهيات و معارف اسلامي دانشگاه تهران .

[2]- پژوهشگر گروه مذاهب فقهی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامي .

[3]- التوبه، 122.

[4]- مقدمه، عبد الرحمن ابن خلدون المغربي، باب 6 فصل 9.

[5]- الاصول العامه للفقہ المقارن، سيد محمد تقی حکيم، ص 9 .

[6]- لسان العرب، ابن منظور، ماده فق هـ .

[7]- معالم الدين و ملاذ المجتهدين، شهيد ثانی، و نیز قریب به این مضمون دروس فی علم الاصول، سيد محمد باقر صدر، و نیز تمهید القواعد، شهيد ثانی .

[8]- مختار الصحاح، جوهری م666 هـ ، ماده قرن، و نیز اساس البلاغه، ابی القاسم زمخشری.

[9]- به جهت پرهیز از طولانی شدن مقاله صرفاً یک تعریف اصطلاحی ارائه می گردد و برای اطلاع از تعاریف دیگر به " الفقه المقارن" عبد الفتاح کباره ص 87، مراجعه فرمائید.

[10]- بحوث مقارنه فی الفقه الاسلامی و اصوله، دکتر محمد فتحی الدیرینی ج 1 ص 18، و نیز الفقه المقارن عبد الفتاح کباره ص 87 .

[11]- مقدمه، ابن خلدون باب 6 فصل 9، و نیز ابجد العلوم، قنوجی، ج 2، ص 278.

[12]- كشف الطنون عن اسامی الكتب و الفنون، مصطفى القسطنطنی الرومی الحنفی الشهير بالملا كاتب الجبلی و المعروف بحاجی خلیفه، ج 1 ص 721.

[13]- کیهان اندیشه، آیت اله محمد ابراهیم جناتی، شماره 59، فروردین و اردیبهشت 1374، ص 35 و 36 .

[14]- الاختلافات الفقهیه لدى الاتجاهات الاسلامیه المعاصره، محمد عبد اللطیف محمود، ص 113.

[15]- سنن ابی داود، ابی داود سلیمان بن الاشعث السجستانی الازدی 275-202 هـ ، باب اجتهاد الرأی فی القضا حدیث 3592.

[16]- النبذ فی اصول الفقه الطاهري، علی بن احمد بن حزم الاندلسی القرطبی الطاهري، ص 95.

[17]- بحارالانوار، علامه محمد باقر مجلسی 1037-1110 هـ ، ج 2 ، باب 34 ، البدع و الرأی و المقایس.

[18]- ن.ک مدخل علم فقه رضا اسلامي ص 51، معالم المدرستين علامه عسکري ج 2 ص 84، مقدمه مرآه العقول علامه عسکري ج 1 ص 46، النص و الاجتهاد شرف الدين ص 47.

[19]- . برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به معارج الاصول محقق حلی (676-602هـ)، باب التاسع فی الاجتهاد.

[20]- زیرا تا قبل از آن دانشمندان شیعه برای کسی که عهدهدار شناخت احکام الهی بود عنوان فقیه را به کار میبردند. (مدخل علم فقه اسلامی ص52).

[21]- مدخل علم فقه، دکتر رضا اسلامی، ص 56.

[22]- صحیح البخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل البخاری م 256 هـ ، باب 12 کتاب الخوف، حدیث 946 و حدیث 2647 و نیز سنن نسائی باب نکاح.

[23]- اختلافات الفقهیه لدى الاتجاهات الاسلامیه المعاصره، محمد عبد اللطیف محمود، ص 113.

[24]- قرآن، نساء، 103.

[25]- البته میتوان گفت دلیل پیامبر از عدم سرزنش به خاطر وضعيت حساس جنگی بوده و ایشان نمی خواستند بین سپاه شکاف ایجاد شود.

[26]- اعلام الموقعين عن رب العالمين، شيخ شمس الدين ابی عبدالله محمد بن ابی بكر المعروف بابن القيم الجوزیه م751 هـ ، ج 1، ص 17.

[27]- الانصاف فی بیان اسباب الاختلاف، ولی اله دهلوی 1114-1176 هـ ، ص 109.

[28] - الامّ، محمد بن ادريس الشافعي 150-240 هـ ، ج 2 در فهرست.

[29] - مدخل علم فقه، دکتر رضا اسلامي، ص401.

[30] - منهاج الطالب في المقارنه بين المذاهب، دکتر عبد السميع احمد امام، ص 24.

[31] - منهاج الاجتهاد في الاسلام في الاحكام الفقيهيه و العقائديه، دکتر محمد سلام مدكور، جزء اول ص 100 و 114.

[32] - منهاج الاجتهاد في الاسلام، دکتر مدكور، ص 115.

[33] - قرآن، اعراف، 204.

[34] - المؤطا، مالك بن انس م 179 هـ ، ج 1، ص 84 - 86 .

[35] - منهاج الاجتهاد في الاسلام، مدكور، ص 128.

[36] - الانصاف، بطلبيوسي، كل كتاب.

[37] - دروس في الفقه المقارن، آيت اله محمد ابراهيم جناتي، جزء دوم، ص 22.

[38] - تاريخ التشريع الاسلامي، محمد الخصري بك، ص 181.

[39] - همان ص 184.

[40] - تاريخ التشريع الاسلامي (الفقه و اصوله و قواعده) ، دکتر عبد الاله بن محمد الملا، ص 183.

[41] - تاريخ التشريع الاسلامي، خصري بك، ص 222.

[42] - اختلاف الفقهاء، ابي جعفر محمد بن جرير طبري م 310 هـ ، ص 6.

[43]- تاريخ التشريع الاسلامى، خضرى بك، 223.

[44]- تاريخ التشريع الاسلامى (الفقه و اصوله و قواعده) ، دكتور عبد الله بن محمد الملا، ص 184.

[45]- الام، محمد بن ادريس الشافعى 150-204 هـ ، ج 2.

[46]- اين كتب را البيهقي م 231 هـ ، و الربيع المرادى م 270 هـ ، در ضمن كتاب الام جمع کرده اند، مقدمه مصحح اختلاف الفقهاء طبرى.

[47]- فلسفه التشريع فى الاسلام، صبحى محمضانى، ص 55.

[48]- مراعات الخلاف فى المذهب المالکى و علاقتها ببعض اصول المذهب و قواعده، دكتور محمد الامين، ص 30.

[49]- المغنى، عبدالله بن احمد بن قدامه المقدسى م 620، ج 1، ص 22.

[50]- فلسفه التشريع فى الاسلام، صبحى محمضانى، ص 183.

[51]- مختصر اختلاف العلماء، ابى بكر احمد بن على الجصاص الرازى م 370 هـ ، ص 81، و نیز دائره المعارف اسلام، مدخل اختلاف، شاخت، ج 3.

[52]- الامام الجوينى 419-478 هـ ، دكتور محمد الزحيلي، ص 187.

[53]- ابجد العلوم، صديق بن الحسن القنوجى، ج 2، ص 278.

[54]- الامام الجوينى، محمد الزحيلي، ص 185.

[55]- موسوعه الفقه الاسلامى المعاصر، وهبه الزحيلي، جزء 6، ص 288.

[56]- مختصر اختلاف العلماء، جصاص م 370 هـ ، جزء 1، ص 85 .

[57] - طبری کتابی با عنوان اختلاف.

[58] - طبق نظر مصحح کتاب دکتر فریدریک کرن آلمانی برلینی.

[59] - اختلاف الفقها، طبری، مقدمه، و نیز مقاله فقه تطبیقی و پیشگامان آن، جناتی، ص 41، شماره 59.

[60] - مختصر اختلاف العلماء، ابو بکر جصاص، ص 45.

[61] - الفهرست، ابن ندیم، ص 22.

[62] - تاریخ الفقه الاسلامی، محمد علی السائیس، ص 128-130.

[63] - تاریخ الفقه الاسلامی، عمر سلیمان الاشقر، ص 128-130.

[64] - المحلی، ابن حزم، سیزده جلدی.

[65] - در فقهای مالکی اندلس دو تا محمد بن احمد است که یکی به ابن الرشد الجد معروف است 450-520 هـ، و یکی به ابن الرشد الحفید 520-595 هـ، که مؤلف بدایه المجتهد... ابن الرشد الحفید است.

[66] - الهدایه شرح بدایه المبتدی، المرغینانی، دوره چهار جلدی.

[67] - المغنی، ابن قدامه، دوره نه جلدی.

[68] - المجموع شرح المذهب، النووی، مقدمه ج 1 به تحقیق هشت نفر.

[69] - مجله رساله الاسلام، مقاله محمد عرفه (کیف يستعيد المسلمون وحدتهم وتناصرهم)، سال هفتم شماره 28، و نیز مجله کاوشی نو در فقه، مقال هـ.

عبد الکریم بیآزار شیرازی، (فقه مقارن)، بهار 84 شماره 43.

[70] - مجله کاوشی نو در فقه، مقاله عبد الکریم بیآزار شیرازی، (فقه مقارن)، بهار 84 شماره 43.

[71] - فهرس الفقه الحنبلی، جامعه ام القرى.

[72] - دراسات فی الفقه المقارن، علی ابو البصل، این کتاب در فقه مالکی است و در کتاب دروس فی الفقه المقارن از آیت الله جناتی استفاده شده است.

[73] - مجله کیهان اندیشه، مقاله ایت الله جناتی، فقه تطبیقی و پیشگامان آن، شماره 59، سال 1374.

[74] - فهرس الفقه الحنبلی، جامعه ام القرى.

[75] - دائره المعارف فقه مقارن، آیت الله مکارم شیرازی، ج 1، ص 22.

[76] - الموسوعه الفقهيہ (الکویتیه) جزء 1، ص 53، و نیز تاریخ الفقه الاسلامی، عمر سلیمان الاشقر، ص 204.

[77] - تاریخ الفقه الاسلامی، الاشقر، ص 205، و نیز موسوعه الفقه الاسلامی المقارن (مشهور به موسوعه جمال عبد الناصر) ج 1، ص 58، و نیز الموسوعه الفقهيہ (الکویتیه) ج 1، ص 54-58.

[78] - الموسوعه الفقهيہ (الکویتیه)، وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلامی هـ .

[79] - موسوعه الفقه الاسلامی المقارن الشهيره بموسوعه جمال عبد الناصر الفقهيہ، وزاره الاوقاف.

[80] - الفقه الاسلامی و ادلتہ، وهبه الزحیلّی.